

وین کرامت بین ز نام نامیش کت یاد بد هد
 [حاج آقا شیخ نور الله] ز سال از نحالش

۱۳۴۶

قسمت فلسفی

اثر خامه یگانه دانشمند و عالم ربانی صاحب امضاء که یکی از علمای اعلام
 و حجج اسلام ناحیه گلپایگانه است

در شماره چهار مجله شریفه * دعوت اسلامی * در تحت عنوان (رفع اشتباه
 و قطع تشبث) شرحی راجع بجواب مغالطات اصفهانی در موضوع حجاب مطالعه
 کردید این نگارنده نیز بر حسب وظیفه خود مناسب دیدم که در اطراف این قسمت
 شرحی بمعرض عموم برادران اسلامی تقدیم نمایم

وجوب و لزوم حجاب از نقطه نظر تکلیف مذهبی در شرع مقدس اسلام
 پس از زول کریمه شریفه [و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن
 فروجهن ولا یدین زینتهن الا ما ظهیر منها و ایضا یحجرن علی حیو بهن
 الخ] و بعد از آثاری که از صاحب شرع مقدس اسلام صلوات الله و سلامه علیه
 متواتراً رسیده از واضحات و بدیهیات است اگر اصفهانی و امثال او از مفاد
 کتاب و سنة مسلمین و اجماع متقدمین و متأخرین و حکم عقل بی اطلاع باشند
 نازکی ندارد جاهل و نادان بسیار است

مقصود نگارنده اثبات و جوب حجاب از نقطه نظر تکلیف مذهبی نیست
 بلکه میخواهم با کسانی که بی اندازه مایل و شایق از ادی ندوان بسبب رفع حجاب

هستند از روی منطق عقلی بحث کنیم به بینیم منطق و دلیل مخالفین ما یعنی طرفداران آزادی نسوان کدام است؟ آیا دلیل آنها صحیح و برای جامعه ما نافع هست یا خیر؟ طرفداران آزادی نسوان در کشف حجاب و بی پردگی آنان بزرگتر دلیل و قیاس منطقی آنها اینست که تقریباً نصف یا زیاد از نفوس هر ملتی حضرات نسوان هستند اگر این نصف را در منازل محبوس و آنها را از حقوق اجتماعی محروم نمائیم تأثیر او در جامعه غیر قابل انکار است زیرا واضح است اگر زنها هم بمنزل مردها در تجارت و صنعت و سداست داخل شوند بنوبه خود کمکهای مهمی بملت و مملکت می کنند و برای تأیید این دلیل خود شواهدی از اقدامات و عملیاتی که زنها در جامعه ملل مغرب نموده اند ذکر میکنیم و اضافه نموده میگویند کسانی که بحث در معرفت و رو حیات انسانی مینمایند در مؤلفات خود ثابت کرده اند که ادراکات نسوان هم کمتر از مرد نیست بلکه در بعضی از خصایص آنها را من حیث الاستعداد اکمل از مرد میدانند پس خلاف عقل است که مانصف از جمعیت و ملت خود را محبوس نگه داشته نگذاریم از وجود آنها جامعه استفاده نماید؟

اینست دلیل و برهان اشخاصیکه طرفدار رفع حجاب هستند

نگارنده عرضه میدارد *رسال جامع علوم انسانی* چون حسن تقلید از طبیعیات بشر است بیشتر همان حسن تقلید در حل قضایا دخیل است و در معتقدات انسان تأثیر مینماید. این مسئله حجاب هم یکی از قضایائی است که بعضی از اهالی شرق از سکنه غرب تقلید و همین حسن آنها را از درک مفاسد رفع حجاب باز داشته تا حدی که بعضی از دانشمندان هم در محاسن عظیمه حجاب شاید تردید نمایند، پس از قارئین محترم استدعا میشود که در عرا یض آتیه

بناظر انصاف که خالی از شوائب تقلید و شهوات باشد ملاحظه و تأمل فرمایند هیچ کس نمیتواند انکار نماید که انسان دارای دو جنبه است یکی جنبه روحانی که اساس انسانیت و حقیقت او را تشکیل و دیگر جنبه جسمانی، مراد از جنبه روحانی است که در انسان یک مخلوق دیگری غیر از جسم ظاهر وجود دارد که تمام آثار و فوائد حیوة از او میباشد یعنی همان چیزیکه تورا در وقت خواب بعوالم دیگری سیر میدهد و در وقت مرگ جسد تو را رها نموده بی کار خود میرود و بدیهی است قوانین راجعه بزندگان بشر باید با ملاحظه صلاح هر دو جنبه تأسیس شود بلکه چون اساس انسانیت همان جنبه روحانی است باید در وضع قوانین انفرادی و اجتماعی ملاحظه کمالات روحانی او کاملاً منظور باشد و چون حقیقت نفس ناطقه با جنبه روحانی انسان بر عموم عقلا مخفی و مستور است [در نتیجه] تهیه قوانین زندگانی بشر بطوریکه من جمیع الجهات نافع و صالح باشد از عهده عقلا خارج است زیرا عقلا و دانشمندان میتوانند صلاح و فساد جهات راجعه بجنبه جسمانی را تمیز دهند اما چیزی را که بجهات جسمانی نافع دیدند آیا منافاتی با جهات روحانی دارد یا خیر؟ از حیث ادراک عقلا خارج است، باید باوامر الهی تهیه شود و از اینجا است که انسان اگر بخواهد بدرجات کمالات انسانی برسد باید حتماً قوانین الهی را تعقیب نموده از حدود آن تخلف نکند، و بعد از تصدیق باینکه انسان دو جنبه دارد و باید صلاح هر دو جهت را ملاحظه و منظور داشت عرضه میدارد

زنا یعنی تعرض بناموس دیگران بدون ملاحظه و مراعات قوانین موضوعه یکی از افعالی است که تأثیر شوم او در جامعه بشر جسماً و روحاً نه بحدی است

که باین سطور و مقالهها تجدید گردد، یکی از تأثیرات شوم این عمل شنیع در جسم انسان مرض سفلیس است چه که اساس این مرض از این عمل قبیح پیدا شده و چه تأثیرات سوئی این مرض نحس در جا معا بشر نموده همه میدانند که هفتاد هشتاد سال قبل در ایران مرض سفلیس وجود فحشی داشت نه و جود خارجی چه باعث شده که امروز در اغلب از بلاد کمتر خوانواده پیدا میشود که مبتلانی باشند...

و یکی از آثار زنا اختلاط انساب است که مفاسد اختلاط انساب در جامعه بشر و صلاح حفظ انساب و احساسات قومیت و عواطف عائلیه مطالبی است که غالب مردم مسبوق و محتاج بتذکر و تنبیه نیست یکی از تأثیرات این عمل شنیع فساد اخلاق مولود از زنا است اگر در اخلاق مولودین از زنا دقیق شده باشید تصدیق میفرمائید که همیشه مفاسد اساسی و تشکیلات شومی که سالها بنسذگان خدا را بزحمت انداخته از اینگونه مردم پیدا شده را اگر نبود مراعات ادب و نزاکت نمونههای بسیاری برای استحضار خاطر خواننده گان عرض میگردم ولی برای اینکه گمان نشود سخن بی مدرکی عرض کرده باشم در خاتمه این مقاله یک نمونه را عرضه میدارم

و اما تأثیرات زنا در جهات روحانی و باز ماندن زانی و مولود از او از درجات کمال علاوه بر وجدان هر ذی حسی کفایت میکند تورا فرما یشات پیغمبران و فرستاده گان پروردگار ملاحظه فرما در تورات رایج که مینویسد (زنا زاده داخل در جماعت رب نمیشود) یعنی انبیاء و اولیاء حق از زنا زاده گان پیدا نخواهد شد ملاحظه فرما حدودی که در شرع تورات برای زنا مقرر فرموده قتل است

و نیز ملاحظه کن تعالیم مسیح را مطابق مندرجات انجیل رایج که میفرماید نظر باجنبی از روی شهوت بمنزله زنا است، فرمایشات حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله را جامع زنا و حدود آن و تأثراتی که در اخلاق مولود از زنا دارد اغلب میدانند، پس از تمهید این مقدمات معلوم باد که شهوت مباشرت بانسوان را خداوند متعال برای بقای نسل انسان باین حدی که موجود است در انسان قرار داده و اعمال این قوه را بقوانین و احکام مقرر و محدود فرموده ولی چون طغیان شهوات در ابتداء جوانی است که بالطبع نوع افراد هر مات در مدارج کمال عقلانی آنقدرها بصیر و خبیر نشدند که همان قبح عقلمی و تحدید شرعی او را از تعرض بناموس دیگران بازدارد شارع مقدس اسلام بامر خالق علام مسئله حجاب را برای جلوگیری از شیوع این فساد در افراد بشر وضع و تأسیس فرمود، کسانیکه بیلاد مغرب سفر کرده اند و وضع زندگانی و آمیزش آنها را دیده اند اگر منصف باشند تصدیق میکنند که بواسطه نبودن حجاب و اجتماع جوانان از پسر و دختر در هتیلها و مهمانخانهها و مجامع عمومی و اجتماع در کلیساها چه مفاسد عظیمه از بی عصمتی و شیوع زنا در آن ملل حادث گشته با این که نظمی شهرها و مأمورین کاملاً مراقبت و بقدر امکان از وقوع این حوادث جلوگیری میشود معذک کمتر طایفه و قاعلمی شاید پیدا شود که چنین حادثه در بین آنها حادث نشده باشد خوب در نظر دارم در سال (۱۹۱۹) احصائیه مولودات شهر برلین پای تخت آلمان از طرف اداره مربوطه منتشر شد مولودات زنا در مذهب خودشان زیاده از مولودات بقصد صحیح بود خوب تأمل فرمائید در شهری مثل برلین بآن مراقبتهای کذائی چه باعث بوده که نتیجه احصائیه بشرح فوق شده پس حاصل عرض آنکه

رفع حجاب و دخول جماعت نسوان در امور اجتماعی اگر چه تا حدی به تجارت یا صنعت یا سیاست مملکت کمک میکند ولی از طرف دیگر حتماً و بدون تردید این مطلب انسان را خراب و روحیات را فاسد و انسان را از ترقی به مدارج کالات روحانی محروم و بدرکات ذلت روحانی و جسمانی سوق میدهد پس اگر کسی منصف و عاقل باشد باید مصالح و مفاسد امور را من جمیع الجهات ملاحظه و تأمل کند و بهر طرفی که راجح آمد ترتیب اثر نماید مختصر مصالحی که در رفع حجاب بسبب دخول نسوان در امور عامه ملاحظه میشود در جنب مفاسد بکه در نتیجه رفع حجاب تولید میگردد هیچ قابل اعتبار و توجه نخواهد بود.

علاوه بر مطالب مسطوریه بیائید تا حساب کنیم در امور اجتماعی به بینیم وجود حجاب با کدام يك از امور اجتماعی منافات دارد (اولاً) تحصیل علوم
 چه منافاتی با حجاب دارد شارع مقدس زن را از تحصیل علوم منع نفرموده بلکه بر او واجب و فریضه قرار داده که فرموده (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه) (ثانیاً) بکقسمت از مشاغل است که بفرز زن نمیتوانند متکفل باشد از قبیل خانه داری و تربیت اولاد (ثالثاً) در اکثر صنایع یدی و غیر یدی دخات زن منافاتی با حجاب ندارد. بلی نمابنده گی در پارلمان یا استخدام در دوائر دولتی و امثال این امور با حجاب منافات دارد آیا در ممالک قحط الرجال شده که باید این همه هیاهو نموده تا زن را داخل پارلمان یا به پشت میز وزارت نشانید؟! خوب تأمل کنید اگر کارهای جامعه را تقسیم و آن قسمتی را که منافات با حجاب ندارد برزنها محول و قسمت دیگر را مردها متکفل شوند کدام



منافع حیاتی از ما فوت میشود و بدخالت زنها کدام ترقی برای شما حاصل میگردد؟ اگر زندهای ما تنبل و دنبال تحصیل علم و صنعت نروند چه ربطی بقانون مقدس حجاب دارد؟ پس اگر این قانون مقدس را از نقطه نظر مصالح عمومی با قطع نظر از تکلیف مذهبی با نظر خالی از شوائب تقلید و شهوات حیوانی ملاحظه نمائیم باز تصدیق خواهیم نمود که از بزرگترین مصالح عمومی است که ضدیت نمیکند با او مگر جاهل یا محکوم بشهوات حیوانی هر صاحب وجدانی پس از تصدیق باینکه باید جمیع مصالح روحانیت بشر نیز ملحوظ باشد ناچار است از اعتقاد باینکه وجوب حجاب در جامعه از بزرگترین مصالح روحانی و جسمانی و بهترین وسیله سعادت دنیوی و اخروی است و تصدیق خواهند داشت که نه تنها زنا و تعرض بناهوس دیگران خراب کننده جسم و روح افراد ملت است بلکه نظر از روی شهوت که لازمه لاینفک رفع حجاب است نیز بنویسه خود رو حیات را خراب و انسان را به تعقیب شهوات حیوانی و مفاسد اخلاق سوق میدهد

[النظر سهم مسموم من سهام ابلیس] نگاه بشا محرم تیر است زهر آلوده از تیرهای شیطان

بحث در مزایا و دقایق این قسمت و مصالح و منافع برای این قانون مقدس شریعت بیش از این مقدار ما را از موضوع کلام خارج میکند پس عریض خود را بذکر نمونه که وعده دادم خاتمه میدهم

در اواخر سلطنت محمد شاه که بواسطه مرض شاه و بی کفایتی در باربان هرج و مرج در تمام مملکت ایران حکمفرما بود و تقریباً بملوک الطواغی اداره میشد در اینموقع مناسب سید علی محمدیان بدعوی قائمیت قیام و کسانیکه همیشه منتظر اینگونه وقایع هستند بدور او جمع و دعوت او را اجابت نمودند که از جمله آنها

حاجی محمد علی بار فروشی بوده که در بین بایه ملقب بقدوس و بقول صاحب [نقطه الکاف] (۱) مدعی رجعت محمدی و دلیل خود را نزول آیات و خطب قرار داده هنگامه قلعه شیخ طبرسی و مقتول شدن هزاران مردم عوام را این حاجی محمد علی و ملاحسین بشروئی خراسانی که میرزا حسینعلی بهاء در وصف او در اواخر کتاب ایقان میگوید [اگر او نبود خدا بر عرش رحمانیت و کرسی صمدانیت مستقر نمیگشت]!!! باعث و سبب عمده گشتند حاجی میرزا جانی کاشانی مصنف کتاب نقطه الکاف که از جمله مؤمنین جدی بسید بان

(۱) کتاب نقطه الکاف که قبل از انقسام بایه به بهائی و ازلی تألیف شده و بشهادت بزرگان بایه مؤلف او در نهایت صداقت و راستی آنچه دیده و شنیده نوشته چون بسیاری از مضامین این کتاب مضر بحال بهائیان بوده در همان اوایل قیام میرزا حسینعلی بهاء کارکنان او این کتاب را بالمره از ایران محو نمودند و اگر نبود همت عالی ادیب دانشمند بینظیر (مستر ادوارد برون) انگلیسی یعنی همان مرد جلیلیکه ایرانیان را الی الابد رهین اقدامات خود نموده ، حقایق تاریخی دوره اول بایه بکلی مستور و بالمره مخفی میشد هر کس مایل است در این زمینه اطلاعاتی حاصل نماید رجوع کند بمؤلفات همین دانشمند انگلیسی از مقدمات نقطه الکاف و حواشی مقاله سیاح و حواشی تاریخ جدید و غیرها ، همین ادیب دانشمند در مقدمه نقطه الکاف در صفحه [۶۱] در مقام بیان حال و مقایسه تاریخ جدید با نقطه الکاف راجع بنطق حاجی محمد علی بار فروشی در [بدشت] چنین مرقوم داشتند (چه نطقی که جناب قدوس در آن اجتمع نمود قطعاً به تهمتهایی که مسلمانان بایه میزنند از قبیل آنکه ایشان طریقۀ اباحیه را دارند یا اشتراک در نساء را قائل هستند و نحو ذلك قدری صورت صدق میدهد و معلوم میکند که این تهمتها بکلی بی اساس صرف نبوده یعنی فقط از راه دشمنی مسلمانها تمام این حرفها را جعل نکرده اند بلکه چیزی بوده و مردم چیزها گفتند)

نگارنده عرض میکنم از کلمات خود حاجی میرزا جانی کاشانی هم این مطالب ظاهر است نهایت ایشان توجیه میکنند که تمام مردم غلام و کنیز سید علی محمد باب بودند پس بهر کس هر چه میخواهد میدهد - هر کس تمکن از تحصیل دارد یا موجود دارد رجوع نماید به نقطه الکاف و واقعه (بدشت) را بخواند -

و از مخلصین و ارادت مندان حقیقی بحاجی محمد علی است در مقام بیان خسوارق عادات و کرامات حاجی مشار الیه در صفحه (۱۹۹) از کتاب مزبور چنین مینویسد - (من جمله در همان سال به نا مادری و خواهر خود مکرر میفرمودند اگر در این سال بشماها انواع بلاها در راه محبت من خواهد رسید؛ صبر کنید چونکه والده آنحضرت در طفولیت ایشان فوت شده بود و حکایت غریبی ذکر میکنند و میگویند زمانیکه والده ایشان بخانه شوهرش آمد [که آقا صالح نامی بوده زارع] سه ماهه حامله بود و دختر هم بود!! در ششماهگی وضع حمل نمود فلذا مردم نسبتهای بد به آنجناب میدادند و دوستان تأویل خیر مینمودند و باز در همین صفحه میگوید همین جناب حاجی * به پدر خود میگفت من پسر تو نیستم، من عیسی هستم، بصورت فرزند تو در آمدم (فاعتبروا یا اولی الابصار) کلیپایگان * محمد مهدی محمدی *

مکتوب تقاضا

حضور مبارک عموم علماء اعلام و حجج اسلام بلاد اسلامی دامت برکاتهم پس از تقدیم سلام و ارادت صمیمی نظر باینکه در تقویم ماه شعبان و ماه رمضان هر دو را کسر نوشته اند و در موقع استهلال هم ممکن است بواسطه گرفتگی افق رؤیت حاصل نگردد متمنی است هر گاه در شب جمعه غره شوال در محاضر مقدسه رؤیت محقق شد تلکرافاً اطلاع دهید موجب امتنان داعی و دعا کوئی مسامین خواهد بود

* الاحقر محمد رضا الحسینی القمی *